

بررسی و نقد نظریه امنیتی سازی مکتب کپنهاگ

رسول زارع زاده ابرقویی^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۵/۲۰ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۶/۸/۱۶

فصلنامه آفاق امنیت/ سال دهم / شماره سی و ششم - پائیز ۱۳۹۶

چکیده

چگونگی ظهور و حل مسائل امنیتی یکی از مباحث کلیدی مطالعات امنیتی معاصر است. از آنجا که نظریه امنیتی سازی مکتب کپنهاگ یکی از نظرات جالب و بحث برانگیز مطرح شده در این زمینه می باشد، مقاله حاضر درصدد است با تکیه بر مطالعات اسنادی به بررسی و نقد این دیدگاه بپردازد. این مکتب ملهم از فلسفه زبان آستین و نظریه اجتماعی، امنیت را هم یک کنش گفتاری می داند و هم یک برساخت اجتماعی. منطق امنیت نیز متأثر از فلسفه سیاسی اشمیت بر ضرورت بقای دولت، اضطرار و اولویت اقدام تأکید دارد. مسأله امنیتی نشان از یک انتخاب سیاسی بوده و دارای مقتضی اجتماعی است. با این حال، نگاه مکتب کپنهاگ به امنیت نگاهی منفی بوده و کمال مطلوب در غیر امنیتی سازی است؛ هرچند در برخی مواقع امنیتی سازی یک ضرورت است. مقاله از سه زاویه به نقدهای وارده بر این نظریه پرداخته است. یکی از نگاه کسانی که شاکله اساسی آن را زیر سؤال می برند. دیگری از زاویه کسانی که خواهان اصلاح جزئی و روشن شدن نقاط مبهم نظریه می باشند و بالاخره، از نگاه کسانی که ایده کلی امنیتی سازی را قبول داشته اما با بیان کاستی های اساسی آن درصددند تا این نظریه را در افقی ورای مکتب کپنهاگ بازسازی نمایند.

واژگان کلیدی

امنیتی سازی، مکتب کپنهاگ، غیر امنیتی سازی، کنش گفتاری، برسازی اجتماعی.

